

تأثیر خود کنترلی افراد در کاهش جرایم از منظر جرم شناسی با نگاهی به فقه اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۲)

الهام فیض آبادی^۱

چکیده

اهمیت و پیچیدگی مسائل اجتماعی ایجاب میکند تا در برخورد و شناخت آنها، با تکمیل نظریات موجود و با اتکاء به یافته های نوین، دایره شناخت خود را گسترش دهیم. شناخت و درک درست از وضعیت روابط اجتماعی میتواند به ما در درک بهتر علل رفتار هایی که جرم محسوب میشوند، یاری رساند. افزایش نگرانیهای عمومی درباره مسائل مختلف اجتماعی از اینرو که خسارت و صدمات وارده بر پیکره جامعه روند رو به افزایشی یافته و هم از آن جهت که گاهی مقابله با آن نیز روز به روز دشوار تر و پیچیده تر می شود، شناخت علمی و دقیق مسائل اجتماعی را ضروری می سازد. ارتکاب جرم، از جمله پدیده هایی است که همه جوامع انسانی از دیر باز با آن مواجه بوده و کما بیش مشکلات و مسائل ناشی از آن را تجربه کرده اند. کنترل و نظارت همواره جزء اصول و وظایف اساسی مدیریت بوده است که ارتباط تنگاتنگ با سایر اصول و وظایف مدیریت دارد به طوری که ناکامی در آن برابر با ناکامی در مدیریت میباشد و از طرف دیگر سیستم اداره جامعه (یک سازمان) شامل اجزاء مختلفی میباشد که موفقیت آن بستگی به هماهنگی این اجزاء از جمله نظام کنترل و نظارت می باشد لذا در یک جامعه اسلامی که میخواهد بر اساس مبانی و ارزشهای اسلامی و در جهت تحقق اهداف اسلامی پایه گذاری شود باید نظامهای کنترلی آن نیز با این ارزشها و اهداف هماهنگی داشته باشد و در این چارچوب اعتقادی و ارزشی طراحی شود. از این رو این مقاله تلاشی جهت بیان خود کنترلی افراد در کاهش جرایم از منظر جرم شناسی با نگاهی به فقه اسلامی برداشته است.

واژگان کلیدی: نظارت، خود کنترلی، خود کنترلی و بازداری، خود کنترلی و پیشگیری

^۱ Elhamfeizabadi۶۷@gmail.com